

Influence of moral themes of Jami's poems from Nahj al-Balaghah based on Gerard Genet's Intertextuality

Batool Mahboubizade^{*}, Gholamabbas Zakeri^{}**

Gholamreza Sotude^{*}**

Abstract

Intertextuality is a new literary topic that examines the relationship between two or more texts. According to Gerard Genet's theory, no text is independent of any other text and is consciously or unconsciously derived from previous texts.

Utilizing the concepts and moral teachings of the original Islamic sources has long been common among Persian-speaking poets and writers for the credibility and richness of their words. The purpose of this research is to study and analyze the intertextual relations of the moral themes of Jami's poems and Nahj al-Balaghah, the way it is expressed and their impact on the reader.

The research expresses the relationship based on Gerard Genet's intertextual theory in the forms of explicit and implicit, with analytical-descriptive method and states the type of influence based on propositional, inspirational and narrative methods which overlap with Genet intertextuality types.

* PhD student in Persian language and literature, Sirjan branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran, Mahboub4877@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sirjan Branch, Islamic Azad University of Sirjan, Iran, (Corresponding Author) Zsadyaa@gmail.com

*** Professor of Department of Persian Language and Literature, Sirjan Branch, Sirjan Islamic Azad University, Iran, Gholamrezasotudeniya@gmail.com

Date received: 01/12/2020, Date of acceptance: 24/02/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

The results depict that the common evidence indicates the certainty of intertextuality in two different languages, in two different positions, and the conscious influence of Nahj al-Balaghah.

The aim of the author is to establish a cognizant relationship with Nahj al-Balaghah, to promote good morals, to awaken the society, to promote the moral teachings of this book and to validate Imam's words in using this original and valuable Islamic source.

Keywords: Intertextuality, Jami's poems, Nahj al-Balaghah, Gerard Genet.



تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از نهج‌البلاغه براساس بینامتنیت ژرار ژنت

بتول محبوبی‌زاده*

غلامعباس ذاکری**، غلامرضا ستوده**

چکیده

بینامتنیت از مباحث جدید ادبی است که به بررسی روابط بین دو متن می‌پردازد. بر اساس نظریه ژرار ژنت، هیچ متنی مستقل از متون دیگر نیست و خودآگاه یا ناخودآگاه برآمده از متن‌های پیشین است. بهره‌مندی از مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی منابع اصیل اسلامی از دیرباز در بین شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان برای اعتبار و غنای سخن خویش مرسوم بوده است. هدف این جستار بررسی و تحلیل روابط بینامتنی مضامین اخلاقی اشعار جامی و نهج‌البلاغه و بیان شیوه تأثیرپذیری آنهاست. روش پژوهش بیان این رابطه، مبتنی بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت در سه قالب صریح، غیرصریح و ضمنی با روش تحلیلی-توصیفی و بیان نوع تأثیرپذیری بر اساس شیوه‌های گزاره‌ای، الهامی و گزارشی است؛ که با انواع بینامتنیت ژنت همپوشانی دارند. حاصل پژوهش نشان داد که شواهد مشترک از قطعیت بینامتنیت در دو زبان متفاوت، در دو موضع گوناگون و آگاهانه بودن تأثیرپذیری از

* دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران،

Mahboub4877@gmail.com

** استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

(نویسنده مسئول)، Zsadyaa@gmail.com

*** استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران،

Gholamrezasotudeniya@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نهج البلاغه حکایت می‌کند. هدف مؤلف از برقراری رابطه آگاهانه با نهج البلاغه، رواج اخلاق حمیده، بیداری جامعه، ترویج آموزه‌های اخلاقی این کتاب و اعتباربخشی به کلام خود در بهره‌مندی از این منبع اصیل اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت، اشعار جامی، نهج البلاغه، ژرار ژنت.

۱. مقدمه

بینامتنیت، از مباحث نقد ادبی به معنای انتقال لفظ یا معنی از متن پنهان به متن حاضر از کشف‌های بزرگ قرن بیستم است؛ که در عرصه‌های مختلف ادبی راه‌یافته و با نگرشی نو به ارتباط، تعامل و جاذبه میان‌متنی می‌پردازد. نظریه‌پردازان معاصر معتقدند که «عمل خواندن هر متن در ارتباط با مجموعه‌ای از روابط متنی است که تفسیرکردن و کشف معنای آن متن، منوط به کشف همین روابط است» (Allen, 2000:1).

ژولیا کریستوا منتقد ادبی و رمان‌نویس بلغاری-فرانسوی اصطلاح بینامتنیت را در دهه شصت میلادی ابداع کرد و رواج داد.

کریستوا نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ اصطلاح بینامتنیت (Intertextualite) را برای هر نوع ارتباط میان متن‌های گوناگون مطرح کرد. پس از آن ژرار ژنت با گسترش دامنه مطالعاتی کریستوا هر نوع رابطه میان یک متن با متن‌های دیگر یا غیر خود را با واژه جدید ترامتنیت (Transtextualite) نام‌گذاری نمود و آن را به پنج دسته تقسیم کرد؛ که بینامتنیت یکی از اقسام آن محسوب می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۳).

ترامتنیت در اندیشه ژنت همانند بینامتنیت کریستوا، بررسی چگونگی ارتباط یک متن با متن دیگر است با این تفاوت که ژنت گسترده‌تر و نظام‌یافته‌تر از کریستوا و رولن بارت به آن می‌پردازد. مطالعات ژنت ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی و یا حتی نشانه‌شناختی را نیز دربرمی‌گیرد. این امر به او اجازه می‌دهد، روابط یک متن را با تمام متغیّرات آن مطالعه و بررسی نماید.

وی مجموع این روابط را ترامتنیت می‌نامد (ر.ک: نامور مطلق، ۱۴۰: ۱۳۸۶). بر اساس ترامتنیت ژنت، یک متن با متن‌های دیگر می‌تواند پنج‌گونه رابطه داشته باشد که بینامتنیت یکی از اقسام آن محسوب می‌شود و اقسام دیگر آن عبارتند از: فرامتنیت (Metatextualite)، پیرامتنیت (Paratextualite)، سرمتنیت (Arcitextualite) و بیش‌متنیت (Hypertextualite).

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۰۱

با وجود اختلاف نظرهای اندک در باب بینامتنیت، اغلب نظریه پردازان در این باره متفق القول هستند که

بر پایه اصل بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند. همچنین هیچ متن، جریان یا اندیشه‌ای اتفاقی و بدون گذشته خلق نمی‌شود؛ بلکه همیشه از پیش چیزی یا چیزهایی وجود داشته است. انسان از هیچ، چیزی نمی‌تواند بسازد، بلکه باید تصویری (خیالی یا واقعی) از متنی وجود داشته باشد؛ تا ماده اولیه ذهن او شود و او بتواند آن را همان‌گونه بسازد یا آن را دگرگون کند (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۲۴).

درواقع «بینامتنیت کاربرد آگاهانه تمام یا بخشی از یک متن در متن حاضر است» (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۲۰). مهم‌ترین هدف بینامتنیت کشف آثار مثبت متون دیگر بر یک متن است به طوری که خواننده را در درک عمیق‌تر یک متن یاری می‌دهد. اگرچه نظریه بینامتنیت، موضوعی تازه می‌باشد؛ اما در ادبیات فارسی و عربی بدون پیشینه نیست.

تفکر ارجاع بینامتنی را در همه جا و از جمله مطالعات نقد ادبی و زبانی خودمان به نام‌ها و مفهوم‌های متفاوت می‌بینیم؛ تلمیح، انتحال، شأن نزول، مقام، مقال، شیوه روایت تودرتو یا متن در متن شرقی و ایرانی، نقش احادیث، اخبار، روایات و... (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

با نگاهی به آثار ادبی می‌توان دریافت که بسیاری از متون از میراث دینی بهره بسیار برده‌اند و گویندگان برای غنی کردن آثار خود از منابع اصیل اسلامی متأثر شده‌اند. ورود اسلام به ایران و درآمیختن فرهنگ ناب اسلامی با فرهنگ ایرانی مهم‌ترین اتفاقی بود که موجب گردید، بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی آثار خود را از مضامین و شواهد فرهنگ دینی به‌ویژه قرآن و نهج البلاغه سرشار سازند و آثار ادبی خود را با این منابع پیوند دهند.

بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر و سروده، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی، علم‌آموزی و روشنفکری بود، گونه‌ای افتخار برای گوینده شمرده می‌شد و به دلیل قداست و حرمت مذهبی قرآن و حدیث، به سروده شاعر نیز گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آن‌ها را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر می‌ساخت (راستگو، ۱۳۹۸: ۶).

اخلاق در ادبیات تعلیمی فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در قدیمی‌ترین متون تعلیمی که از فرهنگ‌های مختلف برجای مانده، با آموزه‌های اخلاقی مواجه می‌شویم. در طول دوره‌های گذشته آثاری که در حوزه ادبیات تعلیمی فارسی پدید آمد، سرشار از معارف اخلاقی، پند و اندرز، بیان نیکی‌ها و دوری از بدی‌ها بود؛ چراکه از دیرباز مورد توجه بشر بوده‌اند. جامی شاعر و نویسنده بزرگ قرن نهم هجری با اندیشه‌ای بلند و طبعی لطیف سعی دارد، اندیشه‌های تعلیمی خود را به مخاطبان القا کند؛ که نشان از علاقه و دغدغه وی در خصوص امور اخلاقی و انسانی است. وی

قباحت‌های جامعه ستمگر و نقصان‌های معنوی افراد بشر را همچون سرچشمه‌های بدی که وحشیگری اجتماعی را می‌افزودند درک کرده، او با نصیحت، ترغیب و صفت‌های خوب و مذمت خصلت‌های بد می‌خواهد که در رواج اخلاق حمیده و برکنند ریشه اخلاق رذیله آذمان کمکی رساند (افصح‌زاد، ۱۳۷۸: ۲۸۰).

ضرورت شناخت مباحث اخلاقی برای همه انسان‌هایی که خواهان نیکبختی و سعادت هستند، از اهمیت والایی برخوردار است. در تعریف و توصیف واژه اخلاق، ادیبان، فلاسفه، عرفا و سایر اندیشمندان سخن گفته و این واژه را در معانی متعددی به کار برده‌اند. از جمله: «خُلُقِ ملکه‌ای بود نفس را، مقتضی سهولت صدور فعلی از وی احتیاج به فکری و رؤیتی» (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۰۱). عبدالله شبر نیز همین نظر را دارد: «خُلُقِ انسان همان هیئت و قیافه ثابت نفسانی انسان است که به آسانی و بدون تفکر باعث صدور افعال انسان می‌شود» (شبر، ۱۳۸۹: ۳۱). مرتضی مطهری یکی از فیلسوفان مسلمان معاصر، اخلاق را این‌گونه معنا می‌کند: «قالبی برای انسان که روح انسان در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه، ساخته می‌شود. در واقع اخلاق، چگونگی روح انسان است» (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۷).

رسالت شاعران در طول قرن‌ها این بوده که مردم را از هر صنفی به اخلاق اسلامی فراخوانند و با این هدف دست به سرودن اشعاری زده‌اند که مملو از آموزه‌های اخلاقی منبعث از منابع و معارف دینی است و از این طریق کمبودها و خطاهای آدمی را در قالب پند و نصیحت به آن‌ها گوشزد کرده‌اند. نیز از وظایف رهبران الهی آن است که زمینه رشد و شکوفایی اخلاقی انسان را فراهم کرده و انسان‌ها را از جهالت و ناآگاهی که مفسد اخلاقی را در پی خواهد داشت بر حذر دارند؛ بنابراین گفتار جامی و اندیشه‌های امام علی (ع) از لحاظ مقوله اخلاق حائز اهمیت هستند. به دلیل نقش محوری اخلاق در سعادت فردی

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۰۳

و اجتماعی انسان، اهمیت و ضرورت این پژوهش آشکار می‌گردد. این جستار از رهگذر بررسی پیوندها و مناسبات بینامتنی در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

- از دیدگاه بینامتنیت، آیا جامی در اشعار خود آگاهانه به آوردن مضامین اخلاقی نهج‌البلاغه همت گماشته‌است؟

- آیا طبق رویکرد ژنتی می‌توان در مضامین اخلاقی به رابطه محکم اشعار جامی با نهج‌البلاغه پی برد؟

- جامی از کلام امام به چه شیوه‌هایی تأثیر پذیرفته است؟

به نظر می‌رسد جامی آگاهانه و بر اساس اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمان خویش به آموزه‌های نهج‌البلاغه استناد کرده و هدف او اعتباربخشیدن به سخن خود با توجه به علاقه و ارادت جامعه به سخنان پیشوایان دینی بوده است. روش پژوهش بر استخراج شواهد بینامتنی اشعار جامی و نهج‌البلاغه در قالب بینامتنیت سه‌گانه ژنت و تحلیل و بررسی داده‌ها بر اساس معیارهای ژنتی و بیان اثرپذیری از نهج‌البلاغه بر اساس انواع تأثیرپذیری گزاره‌ای، گزارشی و الهامی مبتنی است؛ که در حوزه مضامین اخلاقی، این موضوع با روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌شود.

۱.۱ پیشینه تحقیق

درباره ارتباط اشعار جامی با نهج‌البلاغه امام علی (ع) تاکنون پژوهشی مستقل با رویکرد بینامتنیت نیست. ولی آثار جامی در زمینه‌های مختلف بررسی شده است و محققان نیز در نهج‌البلاغه، از زوایای گوناگون به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. درباره نظریه بینامتنیت کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری تألیف شده است. در این بخش با در نظر گرفتن جنبه اختصار و با توجه به تشابه مطالعات انجام‌شده، برخی تحقیقات به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود. نامورمطلق (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها» انواع ارتباط متون را از منظر ژرار ژنت بررسی کرده است. کتاب «درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها» (۱۳۹۴) از همین نویسندگان به تاریخچه نظریه‌ها اشاره کرده است و کاربردهای ارتباط متن‌ها را بیان می‌کند. ظفری‌زاده و خاقانی اصفهانی (۱۳۹۴) در مقاله خود تحت عنوان «روابط بینامتنی نهج‌البلاغه با اشعار کلاسیک فارسی» به بیان میزان

بینامتنیت کلام امام علی (ع) در الفاظ و مضامین اشعار کلاسیک فارسی پرداخته‌اند. درباره تأثیر قرآن و حدیث در متون ادبی نیز تحقیقات متعددی صورت گرفته است که کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از سید محمد راستگو (۱۳۹۸) و کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» نوشته علی اصغر حلبی (۱۳۶۹) از آن جمله‌اند. بر اساس جست‌وجوهای صورت گرفته هیچ پژوهشی در خصوص بررسی روابط بینامتنی در کلام جامی با نهج‌البلاغه بر اساس نظریه بینامتنی ژنت صورت نگرفته است. از این رو نویسنده بر آن شد تا در پرتو این نظریه، پژوهش تازه‌ای در ارتباط بینامتنی بین اشعار جامی و نهج‌البلاغه به دست دهد.

۲. بررسی رابطه بینامتنی اشعار جامی با نهج‌البلاغه

بر اساس نظریه ژرار ژنت، هر متن شکل تغییر یافته متون قبل از خود است که در پرتو رابطه‌اش با متن‌های دیگر فهمیده و تفسیر می‌شود. بنابراین «بینامتنیت رابطه دو متن بر اساس هم حضوری است. به عبارت دیگر، هرگاه بخشی از یک متن، (متن ۱) در متن دیگری (متن ۲) حضور داشته باشد، رابطه میان این دو رابطه بینامتنی است» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۷). بینامتنیت ژنتی به سه دسته صریح، غیر صریح و ضمنی تقسیم می‌شود که در کنار شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری شاعران از قرآن و حدیث که بی‌ارتباط با این نظریه نیستند، در دسته‌بندی‌های متعددی قرار می‌گیرند. از جمله: اثرپذیری گزاره‌ای، گزارشی و الهامی که در ادامه بحث به ذکر شواهدی از اشعار جامی بر اساس روابط بینامتنی و بیان تأثیرپذیری جامی از کلام امام علی (ع) و شرح اندیشه‌های آن بزرگواران در مضمون نگاشته شده می‌پردازیم.

۱.۲ بینامتنیت صریح

بینامتنیت صریح، بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است. به عبارت روشن‌تر، در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم، در نظر ندارد مرجع متن خود یعنی متن اول را پنهان کند به همین سبب به نوعی می‌توان حضور متن دیگری را در آن مشاهده کرد (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸).

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۰۵

در بینامتنیت آشکار، مؤلف متأخر بدون آنکه قصد پنهان کردن داشته باشد، همه یا قسمتی از متن مؤلف اول را در ضمن کلام خود می‌گنجاند و گاهی با گیومه و یا ارجاع و گاهی بدون ارجاع آن را از قسمت‌های دیگر متن متمایز می‌کند و خواننده به راحتی آن را درمی‌یابد. در بلاغت اسلامی این نوع بینامتنیت با عنوان تضمین شناخته می‌شود. که گوینده

عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریزی نیست در سخن خود جای می‌دهد و با قصد و غرض‌های گوناگون انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تحذیر و تعریض، استشهاد و استناد و... چه بسا پاره‌ای از این‌ها، یک جا و باهم زمینه‌ساز اقتباس می‌توانند باشند (راستگو، ۱۳۹۸: ۳۰).

و به عقیده حلبی در تضمین «اگر آن سخن مشهور نباشد، نام او را در سخن خود ذکر می‌کنند» (حلبی، ۱۳۶۹: ۴۸). این شیوه، تأثیرپذیری گزاره‌ای است که ضمن آن جمله یا عبارت را به صورت کامل یا ناقص به کار می‌بریم. این تعریف‌ها با همان تعریف ژنت از بینامتنیت صریح مطابقت دارد و به دو گونه حل و اقتباس نیز بخش پذیر است.

۲.۲ بینامتنیت غیر صریح

در این نوع بینامتنیت، متن غایب به صورت پنهان در متن حاضر وجود دارد و مرجع بینامتن نیز در آن مشخص نیست. شاعر یا نویسنده آگاهانه عناصر یا بخش‌هایی از متن دیگر را در متن خود می‌آورد بدون اینکه به منبع خود اشاره کند. «بینامتنیت غیر صریح، بیانگر حضور یک متن در متن دیگر است. به عبارت دیگر، این نوع بینامتنیت می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند. این پنهان‌کاری به سبب ضرورت‌های ادبی نیست؛ بلکه دلایلی فرا ادبی دارد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸).

در بینامتنیت غیر صریح از طریق مضمون و محتوا به رابطه بین متن‌ها پی می‌بریم. که با شیوه تأثیرپذیری الهامی همپوشانی دارد. به این معنی که «گوینده مابه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد و سخنی می‌پردازد که آشنایان آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند» (راستگو، ۱۳۹۸: ۴۷).

پایه سخن گوینده باید از آیه یا حدیثی مشهور برگرفته باشد تا تهمت سرقت ادبی به او نزنند.

۳.۲ بینامتنیت ضمنی

گاهی مؤلف متن دوم، قصد پنهان‌کاری متن خود را ندارد. به همین سبب نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را شناخت. اما این عمل هیچگاه به صورت صریح انجام نمی‌گیرد و به دلایلی و بیشتر به دلایل ادبی به اشارات ضمنی بسنده می‌شود. بنابراین بینامتنیت ضمنی نه مانند بینامتنیت صریح مرجع خود را اعلام می‌کند و نه همانند بینامتنیت غیرصریح سعی در پنهان‌کاری دارد (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹).

بینامتنی ضمنی ژنت با دو گونه از آرایه‌های بلاغی منطبق می‌شود. ۱. آرایه‌های متأثر از متون پیشین مانند تلمیح، ارسال‌المثل و تصویر آفرینی الهامی ۲. تأثیرپذیری نشانه‌ای؛ که در این نوع نویسنده فقط نشانه‌هایی چون ترجمه و وام‌گیری را در اثر خود می‌گنجاند و با شیوه تأثیرپذیری گزارشی مطابقت دارد به این صورت که «گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به پارسی گزارش می‌کند، گاه به شیوه نقل قول و با یادکرد نام گوینده و گاه بی‌آن و از زبان خود» (راستگو، ۱۳۹۸: ۳۸). در این شیوه عبارت قرآنی یا حدیثی بدون اینکه مضمون و معنی آن چندان تغییری پذیرد جامه پارسی می‌پوشد.

۳. پردازش تحلیلی موضوع گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱.۳ همراهی با جمع

متن حاضر

گله چه بود جماعت یاران	در ره جذب عشق همکاران
زین جماعت اگر جدا افتی	در نخستین قدم ز پا افتی
گر توان دور ازین جماعت زیست	پس یدالله عی الجماعه چیست
مرکب خود سوی جماعت ران	مظهر حفظ حق جماعت دان
حفظ اگرچه زحق بود درخور	مظهر آن جماعت است اکثر

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۰۷

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/۲۲۶)

متن غایب

«وَحَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ الْأَنْمَطِ الْأَوْسَطِ فَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ! فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّةَ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷). بهترین مردم نسبت به من گروه میانه هستند از آن‌ها جدا نشوید. همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است از پراکندگی پرهیزید که انسان تنها، بهره‌ر شیطانی است آن‌گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود.

فرایند بینامتنی

انسان‌ها برای به دست آوردن منافعی که در سایه اجتماعی بودن و دوری از تفرقه به دست می‌آید ناگزیر باید پراکندگی را ترک کرده و به اجتماع روی آورند. جامی عقیده دارد که ما در این جهان پر از گرگ، همچون گوسفندانی هستیم که از جانب حق محافظت می‌شویم و از این نکته غافلیم که روز عمر به سر آمده و ما هنوز از آرزوهای خود دست برنداشته‌ایم. جامی شیطان و نفس بدکردار را گرگ معرفی کرده و معتقد است برای امان از آسیب آن‌ها، به دور از افراط و تفریط باید میانه‌روی را برگزیده، از تفرقه پرهیزیم و با جماعت‌های بزرگ باشیم. از نظر امام علی (ع) منظور از جماعت، مردم میانه‌رو طرفدار حق هستند و این راه میانه همان تفکر ناب توحیدی است که انسان را به سرمنزل مقصود یعنی قرب الهی می‌رساند.

در سخنان حضرت امیر (ع) برای انسان متخلق به اخلاق مبتنی بر میانه‌روی، ویژگی‌ها و مختصات بیان گردیده که از آن جمله می‌توان به توحید محوری، راهنما پذیری، وحدت‌گرایی، همسرگزینی، اقتصاد پیشگی، عقل‌مندی و با چشم عبرت به دنیا نگریستن اشاره نمود (صفوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱).

روشن است منظور امام (ع) از بودن با جمعیت، همان اکثریتی است که متخلق به ارزش‌های انسانی و اخلاقی و دارای ایمان و عمل صالح باشند؛ زیرا اسلام هرگز همراهی با اکثریت فاسد را توصیه نکرده است. ایشان تفرقه را همچون دور شدن گوسفند از گله، پرخطر می‌داند. جامی با تضمینی کوتاه مردمان را از تفرقه و پراکندگی بر حذر می‌دارد و همراهی با جمع را توصیه می‌کند. از دیدگاه بینامتنیت ژرار ژنت، در این آیات بینامتنیت

به صورت صریح است و تأثیرپذیری از کلام امام (ع) به شیوه گزاره‌ای و به گونه تضمین است؛ که تضمین به صورت مبهم بیان شده و گوینده دراثنا‌ی سخن خود حدیث یا آیه را بدون اشاره به نام گوینده می‌آورد.

۲.۳ پرهیز از حسادت

متن حاضر

حسد المرء یا کل الحسنات و ان اعتاد کسبها سننات
نکشد از شر شرر هیزم آن ضرر کز حسد کشد مردم

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱ / ۲۰۸)

متن غایب

«وَلَا تَحَاسَدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ...» (نهج البلاغه: خطبه ۸۶).
حسد نورزید که حسد ایمان را چنان آتشی که هیزم را خاکستر کند نابود می‌سازد.
ضرری که از جانب حسد به انسان وارد می‌شود از ضرری که آتش به هیزم وارد می‌کند
بیش‌تر است.

فرایند بینامتنی

حسد به معنای «آرزوی از بین رفتن نعمت از کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و چه بسا حسادت به همراه نوعی تلاش برای از بین بردن آن نعمت باشد.» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۸۹)
حسد صاحب خود را به عقوبت دنیا و عذاب آخرت گرفتار می‌سازد؛ زیرا در دنیا لحظه‌ای از حزن و الم خالی نیست و به هر نعمت که در دست دیگران می‌بیند رنج می‌برد. به عقیده جامی حسد موجب فرسایش جان محسود می‌شود؛ زیرا او پیوسته نسبت به داشته‌های دیگران در رنج و عذاب است و از سلامتی خود غافل و چه بسا آرزو می‌کند که این نعمت از محسود زایل شود. و معتقد است که کینه و حسادت خوبی‌ها را می‌بلعد، حتی اگر در طول چندین سال آن را به دست آورده باشد. نعمت سلامتی و تندرستی از نعمت‌های غیر محسوسی است که بین حاسد و محسود مشترک است؛ ولی سایر نعمت‌ها محسوس و شخصی که در جایگاه حسد قرار گرفته از آن‌ها برخوردار است و

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۰۹

بیش‌تر در معرض حسادت شخص حسود هستند. حسد از سخت‌ترین و دشوارترین بیماری‌های روانی و پلیدترین رذایل است که روح و قلب حاسد را می‌فشارد و موجب بیماری او می‌شود. امام (ع) حسد را چنان آتشی می‌داند که شراره‌هایش ایمان انسان را چون هیزم در کام خود فرومی‌برد. از دیدگاه بینامتنیت ژنت، در این ابیات بینامتنیت به‌صورت صریح است و تأثیرپذیری از کلام امام (ع) به‌صورت گزاره‌ای می‌باشد؛ که جامی عبارت نهج‌البلاغه را با اندک دگرگونی در راستای وزن و قافیه در سخن خود آورده است.

۳.۳ پرهیز از حرص و طمع

متن حاضر

حرص چه ورزی که ز سودا و سود پنج توشش گردد و هشت تونه
رنج طلب را همه بر خود مگیر یطلبک الرزق کما تطلبه

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/۸۴۵)

متن غایب

«أَنَّ الرَّزْقَ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ، مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعِ عِنْدَ الْحَاجَةِ» (نهج‌البلاغه: نامه ۳۱) بدان که روزی بر دوگونه است: یک نوع روزی است که به جستجوی آن برمی‌خیزی و روزی دیگری است که به سراغ تو خواهد آمد، یعنی اگر تو هم به سویش نروی به سویت می‌آید.

فرایند بینامتنی

جامی انسان را به قناعت فرامی‌خواند و از او می‌خواهد که برای روز و رزق نیامده غم و اندوه نخورد، زیرا روزی مقلد است. جامی انسان را به قناعت و رضایت به داشته‌ها هرچند اندک، فرامی‌خواند و توصیه می‌کند با زیاده‌خواهی رنج و اندوه خود را طولانی مساز؛ زیرا زیاده‌خواهی موجب می‌شود که انسان همیشه در تکاپو برای به‌دست آوردن چیزهای بیشتر باشد و به آنچه به دست می‌آورد راضی و خرسند نباشد. شرافت، عزت و فضیلت در گرو قناعت است و خواری و ذلت و پیروی از هوای نفس نتیجه و آفت طمع‌ورزی است. در این ابیات طبق نظریه ژنتی، بینامتنیت صریح است و

تأثیرپذیری از کلام امام (ع) به شیوه گزاره‌ای است. به صورتی که جامی قسمتی از سخن امام (ع) را به‌وضوح با اندک دگرگونی لفظی در سخن خویش گنجانده‌است.

متن حاضر

رهان گردن از بار غل طمع فشان دامن از خار ذل طمع
طمع پای دل را به‌جز بند نیست طمع کار مرد خردمند نیست

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۲ / ۴۳۰)

متن غایب

«الطَّمْعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ» (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۸۰). طمع‌ورزی بردگی همیشگی است.

فرایند بینامتنی

حرص در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای آرزو، طمع، زیاده‌جویی و افزون‌طلبی آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۵۲) بسیاری از گناهان و در نتیجه گرفتاری‌های انسان ریشه در صفت مذموم حرص و طمع دارد حرص بر زاد و توشه دنیا انسان را به سمت بدترین گناهان سوق می‌دهد. حرص در نظر علمای علم اخلاق، یکی از رذایل اخلاقی است که به‌شدت مورد نكوهش قرار گرفته و صفتی سیری‌ناپذیر معرفی شده‌است که انسان را به جمع‌آوری بیش‌ازحد آنچه نیاز ندارد، برمی‌انگیزاند. جامی با توصیه به دوری گزیدن از حرص و طمع، این رذیله را بندی دانسته که دل انسان را که محل ظهور انوار خداوندی است به‌بند می‌کشد، خرد او را گریزان می‌کند و شک و تردید را در دل انسان نسبت به صفت رزاقیت خداوند برمی‌انگیزاند. این صفت یکی از جلوه‌های حب دنیا است.

در نگاه امام علی(ع) بودن در دنیا و استفاده از نعمت‌ها و موهبت‌های دنیوی باید بدون دل‌بستگی به آنها و براساس جهت داربودن حرکت انسان در دنیا باشد. حرکت انسانی که تحت تعلیمات علوی، دنیاداری متعادل را اتخاذ کرده و در جهت کسب آمادگی برای نیل به سعادت اخروی است (آل‌رسول و مسجدی، ۱۳۹۲: ۱۰).

در کلام ایشان طمع به نعمت‌های دنیا بندگی جاویدان نامیده شده‌است و کسی که طمع ورزد همیشه تسلیم طمع و چون برده‌ای در اختیار آن است. «رابطه بینامتنیت

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۱۱

ضمنی است و جامی مضمون حکمت نهج البلاغه را در شعر خویش آورده و به صورت ترجمه آزاد که «به ضرورت وزن یا قافیه یا ... کم و بیش‌هایی در مضمون راه می‌یابد و چه بسا ساختار بیانی دگرگون می‌شود» (راستگو، ۱۳۹۸: ۳۹). ساختار بیان ترجمه اندکی دگرگون شده است؛ که به شیوه اثرپذیری، گزارشی می‌باشد.

۴.۳ پرهیز از عیب‌جویی

متن حاضر

پای تا فرق جمله عیبی و عار چه کنی عیب زید و عمر شمار
زشت باشد که عیب خود پوشی واندر افشای دیگران کوشی

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/ ۱۲۳)

متن غایب

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۵۳). بزرگ‌ترین عیب آن‌که چیزی را در خود داری بر دیگران عیب بشماری.
«فَلْيَكْفُفْ مَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ عَيْبَ غَيْرِهِ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَيْبِ نَفْسِهِ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۰). هرکدام از شما که به عیب کسی آگاه است به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند باید از عیب‌جویی دیگران خودداری کند.

متن حاضر

ای خوش آن کو به عیب بینی خویش پیش‌وای هنروران گردد
عیب او پیش دیده دل او پرده عیب دیگران گردد

(جامی، ۱۳۶۳: ۳۱)

متن غایب

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶). ای مردم! خوشا به حال آن‌کس که اشتغال به عیب خود، وی را از توجه به عیوب دیگران بازدارد.

متن حاضر

ناپسندیده فتد طور تو جامی همه را هر چه خود را نپسندی دگری را مپسند

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/۳۵۴)

متن غایب

«اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، وَلَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ، وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار بده. پس، آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند.

فرایند بینامتنی

عیب‌جویی یکی از رذایل اخلاقی است که نقطه مقابل عیب‌پوشی است. کسی که مبتلا به این رذیله باشد عیب دیگران را می‌بیند و بزرگ جلوه می‌دهد؛ ولی ساحت وجود خود را از هر عیبی منزّه می‌داند. «کسانی که به‌جای انتقاد سالم و سازنده به این فکر باشند که عیوب مردم را آشکار کنند و از حیثیت و اعتبار آن‌ها بکاهند، مرتکب گناهی بس عظیم گشته‌اند که به خاطر آن عذابی دردناک پیش رو خواهند داشت.» (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۸: ۲۳۲) عیب‌جویی موجب کینه و عداوت و سستی روابط اجتماعی افراد است. انسانی که خود دارای عیوب و گناهی است باید قبل از پرداختن به عیوب دیگران به خویش نظری افکند و بداند که خودش نیز مانند دیگران خالی از عیب نیست. جامی نیز با توجه به این نکته مهم اخلاقی می‌گوید: کسی که به عیب‌های خود واقف باشد، هیچگاه زبان به عیب‌جویی دیگران نمی‌گشاید؛ ولی اگر نیت انسان از گفتن عیب دیگری خیرخواهی باشد، باید با حسن نیت و دلی پاک و بی‌آلایش و در کمال ادب نقص‌های او را یادآوری کند و آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز بخواهد و با بیانی مشفقانه وی را متنبه سازد. جامی به پوشیده نگاه‌داشتن عیب دیگران اشاره می‌کند و در مقام پند و اندرز به این نکته اشاره می‌کند که هیچ انسانی بدون عیب و سرشار از هنر نیست؛ پس ستر عیب کن تا

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۱۳

عیب‌های خودت آشکار نشود. بر اساس بینامتنیت ژنتی، رابطه بینامتنی ضمنی است و تأثیرپذیری به شیوه گزارشی و از نوع ترجمه سخن امام (ع) می‌باشد.

۵.۳ الگوپذیری از زمامداران

متن حاضر

اهل عالم نه پیرو خردند بلکه بر دین پادشاه خودند
همه آیین شاه خود گیرند همه بر دین پادشاه خود میرند

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/۳۳۴)

متن غایب

ایشان می‌فرمایند: «وَإِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَالِدُنْيَا، إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ...» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۱۰). همانا مردم هم با سلاطین و دنیا هستند، مگر آن‌کس که خدا او را حفظ کند.

فرایند بینامتنی

یکی از بهترین روش‌هایی که در تربیت اخلاقی افراد جامعه مؤثر است و از نظر روانی می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد روش آسوه‌سازی و معرفی الگوی مناسب است مربی در این روش می‌تواند واقعیت اخلاق را عینیت بخشد. سیمای فکری و اخلاقی بزرگان شعر و ادب فارسی به منزله سرچشمه‌های اخلاق و نمونه‌های راستین در این جهت می‌باشد. در نهج‌البلاغه نیز، انبیاء الهی به‌ویژه پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت و یاران آن حضرت، به‌عنوان الگوهای معرفی شده‌اند که اخلاق و اندیشه‌های آن‌ها می‌تواند راهنمای انسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. کلام گهربار امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد مردم به روش و طریقه حاکمان خود زندگی می‌کنند. اگر حاکم انسانی درستکار و صالح باشد، رعایای او نیز مانند او خواهند شد و اگر برخلاف این باشد ظلم و فساد آن‌ها دامان مردم را می‌گیرد. از الگوهای جامعه محسوب می‌شوند و جامعه به شدت و به شکل‌های مختلف از عملکرد ایشان تأثیر می‌پذیرد. باورها، اعتقادات و گفتار آن‌ها برای الگوپذیری اقشار مختلف جامعه اهمیت دارد. جامی معتقد است که مردمان بر شیوه و راه و رسم فرمانروایان خود زندگی می‌کنند و اعمال و رفتار آن‌ها را نتیجه رفتار حاکمان می‌داند. از دیدگاه

بینامتنیت ژنتی، این ابیات جزء بینامتنیت ضمنی و اثرپذیری از نهج البلاغه به شیوه گزارشی و از نوع ترجمه بسته می‌باشد که در معنی و مضمون با اصل عربی برابر است و می‌توان پیوند عبارت نهج البلاغه را با ابیات به‌آسانی دریافت.

۶.۳ دادگستری حاکمان

متن حاضر

جهان پادشاهها در انصاف کوش
به انصاف و عدل است گیتی به پای
اگر ملک خواهی ره عدل پیوی
تهی قبضه از تیر تدبیر باش
رعیت به ظلم تو چون عالمند
به عدل آر و تا که عادل شوند
دل شه چو میل عنایت کند
وگر شیوه ظلم گیرد به پیش
ز جام عدالت می صاف نوش
سپاهی چو آن نیست گیتی گشای
و گرنی ز دل این هوس را بشوی
به تیغ عدالت جهانگیر باش
ز ظلم تو بر یکدگر ظالمند
همه با تو در عدل یکدل شوند
عنایت به مردم سرایت کند
شوند اهل عالم همه ظلم کیش
(جامی، ۱۳۷۸: ج ۲ / ۴۸۵)

متن غایب

«إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ» (نهج البلاغه: نامه ۳۱). هرگاه اندیشه سلطان تغییر کند، زمانه دگرگون می‌شود.
«اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَاحْذَرِ الْعَسْفَ وَالْحَيْفَ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ» (نهج البلاغه: حکمت ۴۷۶). عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد.
فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ» (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶) رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت.

فرایند بینامتنی

در سایه دادگستری حاکمان، زندگی مردمان به سروسامان می‌رسد و همه‌چیز در مسیر طبیعی خودش قرار می‌گیرد. در آموزه‌های اخلاقی بزرگان دین، جامعه انسانی در پرتو عدل و دادگری جلوه می‌یابد و اخلاقیات شکوفا می‌شود. مهم‌ترین توصیه جامی به پادشاهان برقراری عدل و داد و پاسداری از حقوق مردم است. دعوت جامی به عدل و داد تنها یک فکر شاعرانه نبوده، بلکه مقتضای زمانه اوست؛ زیرا «در قلمرو تیموریان، همه اولاد لنگ برای تاج و تخت جان کنده، خون یکدیگر را می‌ریختند. جنگ‌ها به مملکت فترت می‌آوردند و بازار ظلم گرم بود.» (افصح‌زاد، ۱۳۷۸: ۲۲۶) او بارها پادشاهان را مورد خطاب قرار داده و توصیه‌هایش همراه با پند و اندرز است. به عقیده شاعر «عدل همه طبقه‌های جمعیت را به هم دوست می‌گرداند؛ اما ظلم اختلاف و نفاق و خرابی می‌آرد» (همان). جامی اصلاح رعیت را نتیجه رفتار و اندیشه پادشاه دانسته و معتقد است، اوضاع جامعه بر محور وضع حاکمان می‌گردد و عدالت جلوی ظلم مردمان را بر یکدیگر می‌گیرد. از منظر پیشوایان دین، دادگری از برترین ارزش‌های اخلاقیست که برپایی آن والاترین خدمت انسانی به شمار می‌آید. امام علی (ع) خود نماد عدل و دادگستری است و این فضیلت اخلاقی در کردار و گفتار ایشان تجلی یافته است.

حضرت (ع) بر آن بود تا در پرتو شناختی که از انحرافات جامعه زمان خود داشت به اصلاح آنها همت گمارد تا اساس حکومت و مدیریت جامعه بر مبنای دین استوار شود و آیات قرآن، سیره، سنت نبوی و علوی مبنای عمل قرار گیرد و با استقرار حکومت دینی، عدالت اسلامی تحقق یابد (ثواقب، ۱۳۹۱: ۲).

ایشان هدف حکومت را برقراری عدالت دانسته و آن را ضامن سلامت و تداوم جامعه می‌داند. روش وی در اداره حکومت نشان از توجه عمیقشان به رعایت عدل و داد و پرهیز از ستم دارد. ایشان عامل ویرانی و ظلم و فساد جامعه را تغییر رأی حاکم می‌داند و ضمن توصیه به عدل و دادگری، عدم رعایت عدالت را آوارگی مردم و جنگ و خونریزی برشمرده است. دادگستری در نگاه امام (ع)، صرفاً امری اخلاقی به شمار نمی‌آید؛ بلکه فلسفه حکومتی ایشان محسوب می‌شد و آن را مایه استواری حکومت می‌دانست و در این عرصه جز به راه عدالت نرفت. طبق بینامتنیت ژنت، رابطه بینامتنی به صورت غیر صریح بیان شده و پرهیز از ظلم به مردمان و برقراری عدل و داد در نتیجه تغییر اندیشه حاکمان در دو عبارت نهج البلاغه و سخن جامی دیده می‌شود. او در این بیت‌ها مضمون و محتوای

سخن خود را از سخنان امام (ع) گرفته‌است و این‌طور به نظر می‌رسد که سخن خویش را برپایه سخن امام بنا نهاده‌است و شرح واره‌ای از کلام امام (ع) است؛ که به شیوه اثرپذیری الهامی صورت گرفته‌است.

۷.۳ پیروی از پیامبر (ص)

متن حاضر

هرچه جز شرع و دین بر هم زن
دست در دام پیغمبر زن
راست است او، خوش آنکه راست شوی
و آوری رو به راه راست روی
همچو او شاه راستان گردی
در همین شیوه داستان گردی
کج روان روی در ره تو نهند
وز کجی همچو راستان برهند
(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱ / ۳۳۵)

متن غایب

«فَتَأْسَ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأْسَى، وَعَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَى وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ، وَالْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۰). پس به پیامبر پاکیزه و پاک اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلبنان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب‌ترین بنده خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد.

فرایند بینامتنی

جامی به شخصیت پیامبر اکرم (ص) اشاره کرده است و ایشان را نمونه و أسوه اخلاق معرفی و پیروی از وی را توصیه می‌کند. از آنجا که الگو باید نمونه‌ای تام از کمالات متعالی انسانی باشد و پیامبر اکرم أسوه حسنه و الگوی حقیقی برای همه انسان‌ها در همه اعصار است، امام علی (ع) در فرازهای بسیاری از کلام گهربار خود در نهج البلاغه، تأسی به رسول اکرم (ص) و پیروی از ایشان را تأکید کرده‌است و پیامبر را به‌عنوان الگوی کامل معرفی می‌کند. بر اساس نظریه ژنتی، بینامتنیت در این آیات، از نوع بینامتنیت ضمنی است که اشاره‌ای به شخصیت حضرت محمد (ص) و لزوم اطاعت از ایشان است.

۸.۳ بخشندگی

هرانسانی به اجتماع گرایش فطری و طبیعی دارد و بر این اساس برخی فضیلت‌های اخلاقی را نیز دارا است. جود و سخاوت یکی از شریف‌ترین صفات و برترین فضایل اخلاقی است که موجب استحکام و استواری بیشتری در روابط انسانی می‌گردد و یکی از ریشه‌های رستگاری است. «جود به معنای بخشش مال و علم است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۶۴) فرد بخشنده علاوه بر اینکه تلاش می‌کند، دیگری از نظر اقتصادی وضعیت بهتری پیدا کند، خود نیز به لحاظ روانی در آرامش قرار می‌گیرد و آثار بخشندگی ابتدا به خودش باز می‌گردد. بخشندگی اصولی دارد از جمله:

۱.۸.۳ بخشش بی‌منت

متن حاضر

چون گشایید دست جود و کرم بر تهی کیسگان به بذل درم
هر زمان شرح آن کرم مدهید منت بذل آن درم منهید
که ز منت کرم شود مفقود در عداد ستم شود معدود

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱ / ۳۲۹)

متن غایب

«...فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ، وَالتَّزْيِدُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ...» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). همانا منت نهادن پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند.

فرایند بینامتنی

هر عمل صالحی که انسان انجام می‌دهد، به هدفی مادی یا معنوی منتهی می‌شود عملی مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد که از نیتی خالص برخاسته باشد. خداوند از مؤمنان می‌خواهد هنگامی که بخششی کردند، با منت و اذیت این کار خویش را تباه نسازند. (بقره/۲۶۴) چراکه این رفتار مانند ریاکاری، اعمال عبادی انسان را بی‌ارزش و پوچ کرده و از بین می‌برد. جامی با ستایش جود و کرم، توصیه می‌کند که بخشش کنید؛ اَمَّا

ارزش این کار را با نهادن منت از بین نبرید. منت‌گذاری پس از بخشندگی از رفتارهایی است که مانع قبول عمل انسان و از بین رفتن آثار معنوی و بطلان آن می‌شود. رابطه بینامتنی به صورت ضمنی و اثرپذیری گزارشی به شیوه ترجمه بسته است؛ که در معنی و مضمون با اصل عربی برابر است. مصراع اول بیت سوم، ترجمه قسمتی از عبارت نهج‌البلاغه است که در سخن جامی آمده است.

۲.۸.۳ اعتدال در بخشندگی

متن حاضر

چو شاخ شکوفه مباش از کرم	که بر خاک و خاشاک ریزی درم
چنان هم مشو ممسک و زرپرست	که چون افتد تنگه زر به دست
به ضرب طیانچه تو آن را زکف	نگردد جدا چون جلاجل ز دف
مزی ناخوش و خوش ز نابود و بود	طریق وسط ورز در بخل و جود

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۲ / ۴۶۷)

متن غایب

«كُنْ سَمَحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا» (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۳).
بخشنده باش اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت‌گیر مباش.

فرایند بینامتنی

دین اسلام همواره انسان را به اعتدال در امور و دوری از افراط و تفریط توصیه می‌کند، بنابراین در بخشندگی باید حد اعتدال رعایت گردد و این فضیلت اخلاقی به گونه‌ای سنجیده و همراه با شناخت به انجام برسد. جامی اعتدال در بخشش را مورد توجه قرار داده و از افراط و تفریط بر حذر داشته است. از دیدگاه ژنت، بینامتنیت به صورت ضمنی است. اثرپذیری این ابیات به شیوه گزارشی به صورت ترجمه‌ای آزاد است که شاعر پس از دریافت مضمون، حکمت نهج‌البلاغه را با الفاظ و تعبیرات خود به نظم درآورده است و برای ادای معنی خود از آن بهره برده است.

۹.۳ احسان و نیکوکاری

متن حاضر

هرچه داری ببخش و نام برآر به نکویی و نام نیک گذار
زانکه زیر زمردین طارم نام نیکو بود حیات دوم
(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/۳۵۳)

متن غایب

«وَلِسَانَ الصَّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرًا لَهُ مِنَ الْمَالِ يُورِثُهُ غَيْرَهُ.» (نهج البلاغه: خطبه ۲۳)؛ نام نیکی که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری بردارد.

متن حاضر

به اخلاق اهل کرم روی کن به اکرام هر نیک و بد خوی کن
به اکرام نیکان به نیکی گرای که خشنود باشد ز نیکان خدای
به تعظیم شو با بدان سازگار بدی شان به نیکی ز خود باز دار
(جامی، ۱۳۷۸: ج ۲/۴۷۲)

متن غایب

«عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَارْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ.» (نهج البلاغه: حکمت ۱۵۸).
برادرت را با نیکی کردن به او سرزنش کن و آزارش را با انعام پاسخ بده.
«وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ.» (نهج البلاغه: نامه ۳۱)؛ نیکوکار باش آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند.

فرایند بینامتنی

خداوند در قرآن کریم، سعادت دنیا و زندگی نیک، آسایش و آرامش را از آثار احسان و نیکوکاری می داند و می فرماید: «فَأَتَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران / ۱۴۸) خداوند، ثواب و پاداش دنیا و پاداش بهتر اخروی را به

ایشان بخشید؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد. انسان، موجودی اجتماعی است و همواره در پی ایجاد ارتباط با دیگر انسان‌هاست. یکی از مسائلی که در ایجاد، ثبات و پایداری یک ارتباط خوب باید رعایت شود احسان است. احسان، نیکی رساندن به دیگران بدون انتظار پاداش و جبران از سوی دیگران است. جامی یکی از توصیه‌گران به خیر و نیکی است در نگاه جامی، انسان باید با انجام کارهای نیک از خود نام نیک برجای گذارد. امام علی (ع) نیز، ماندگاری نام نیک را از برجای گذاشتن میراث برتر می‌داند. جامی مردمان را به نیکوکاری دعوت می‌کند و رضایت خداوند را در نیکی کردن به مردم می‌داند. احسان و نیکوکاری موجب تقرب به خداوند و محبوبیت نزد اوست. از نظر بینامتنیت ژنتی این ابیات، جزء بینامتنیت غیرصریح می‌باشد و تأثیرپذیری به شیوه الهامی از عبارت نهج‌البلاغه است که جامی ضمن سخن خویش آورده‌است.

۱۰.۳ مرگ ارادی

متن حاضر

الم مرگ قطع پیوند است ز آنچه اکنون دلت به آن بند است
بندها را چو بگسلی امروز به همین قطع واصلی امروز
چون بمیری ز خویش پیش از مرگ نخوری زخم نیش بیش از مرگ

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۱/۳۲۲)

دو مردن بود آدمی‌زاد را گرفتار این محنت آباد را
یکی مردن از شهوت حرص و آز ز بایست‌ها داشتن دست باز
دوم رشته جان بریدن ز تن گستن کشش‌های روح از بدن
کسی کو به مرگ نخستین شتافت ز مرگ دوم عمر جاوید یافت

(همان: ج ۲/۴۷۳-۴۷۲)

متن غایب

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۲۱

«...وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِيهَا اخْتَبِرْتُمْ وَ لَعِبَرِهَا خُلِقْتُمْ»
(نهج البلاغه: خطبه ۲۰۳). پیش از آنکه بدن‌های شما از دنیا خارج گردد، دل‌هایتان را خارج کنید، شما را در دنیا آزموده‌اند و برای غیر دنیا آفریده‌اند.

فرایند بینامتنی

مرگ مهم‌ترین حادثه زندگی انسان، یعنی پایان همه‌چیز در دنیا و جدا شدن از تمام تعلقات و از همه مهم‌تر بسته شدن پرونده انسان به گونه‌ای که انسان نمی‌تواند حسنه‌ای بر حسنات و سیئه‌ای بر سیئات خود بیفزاید. مرگ طبیعی همواره در کمین انسان است، بنابراین دلبستگی به دنیا سزاوار نیست؛ زیرا تعلقات دنیایی در زمان مرگ گریبان انسان را می‌گیرد. یکی از راه‌های سبکباری برای سفر آخرت قطع دلبستگی‌ها و رها شدن از بند خواسته‌ها، ایمان به خداوند و یادآوری عذاب آخرت است. جامی مرگ را قطع پیوندهای دنیوی می‌داند؛ که رهایی از آن‌ها سختی مرگ را آسان می‌کند. انسان قبل از اینکه به مرگ طبیعی بمیرد باید علاقه به دنیا و وابستگی‌های آن را در خود بمیراند و برای کوچ آماده شود. جامی دو نوع مرگ را معرفی می‌کند، یکی از خویش مردن انسان که همانا اعراض از شهوات و خواهش‌های نفسانیست و دیگر مرگ طبیعی که جامی آن را مردن به واسطه حرص و آز دانسته و پایان زندگی دنیاست. از نظر او مردن پیش از اجل، خود حیات جاویدان است. دعوت به مرگ‌اندیشی و آمادگی برای سفر آخرت، از موضوعات و مضامین پرکاربرد در نهج البلاغه است که امام (ع) به آن اهتمام خاص دارند و در ضمن سخنان حکیمانه خویش بارها به آن اشاره فرموده‌اند. امام علی (ع) در این خطبه، مرگ ارادی را در قالب میراندن نفس و هواهای نفسانی و ترک تعلقات دنیوی و وابستگی به آن و هشدار بر ناپایداری دنیا می‌داند و مردم را به ترک دنیا قبل از مرگ امر کرده‌است. خارج ساختن قلوب از دنیا نیز کنایه‌ای از مخالفت با نفس اماره و مطیع ساختن آن است که در اثر تهذیب نفس و خودسازی حاصل می‌شود. یاد مرگ سازنده‌ترین و بهترین اندرز برای انسان است، زیرا باعث می‌شود انسان به گونه‌ای زندگی کند که در عین برخورداری از دنیا، برای آخرت خود نیز تلاش کند. مضمون آیات مرگ ارادی است که در عبارت نهج البلاغه نیز به صورت غیرمستقیم به آن اشاره شده است. بینامتنیت در این آیات به صورت غیرصریح می‌باشد و تأثیرپذیری به شیوه الهامی است.

۱۱.۳ محاسبه اعمال

متن حاضر

زمانی چراغ خرد برفروز بین در فروغش عمل‌های روز
که روز تو در نیک و بد چون گذشت در اشغال روح و جسد چون گذشت
کجا کامت از استقامت فتاد ز سر حد راه سلامت فتاد
کجا پانفتاد از ره برون عنایت به طاعت شدت رهنمون
(جامی، ۱۳۷۸: ج ۲/۴۶۷)

متن غایب

«عِبَادَ اللَّهِ، وَزِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا، وَحَاسِبُوا مَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَتَنْفَسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخِنَاقِ، وَأَتَقَادُوا قَبْلَ عُنْفِ السِّيَاقِ وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعِنْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَأَعْظُ وَزَاجِرٌ، لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا زَاجِرٌ وَلَا وَأَعْظُ» (نهج البلاغه: خطبه ۹۰). بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از آنکه سنجیده شوید، پیش از آن که حسابتان را برسند حساب خود را برسید و پیش از آن که راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید و پیش از آن که با زور شما را به اطاعت وادارند فرمانبردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشدار دهنده خویش نباشد، دیگری پند دهنده و هشدار دهنده او نخواهد بود.

فرایند بینامتنی

محاسبه به معنای حسابرسی و بازنگری نسبت به اعمال و رفتار، از مهم‌ترین اصول اخلاقی است. انسان تا زمانی که زنده است باید به حساب اعمال خود رسیدگی کند؛ زیرا بعد از مرگ امکان بازگشت و جبران مافات وجود ندارد. معنی محاسبه این است که

انسان قبل از هرچیز از نفس خود بخواهد واجبات را که به منزله سرمایه او هستند انجام دهد، پس اگر آن‌ها را به وجهی شایسته انجام داد خدا را شکر گذارد و خویش را به ادامه کار تشویق کند و اگر واجبی را به طور کلی ترک کرد خود را مکلف، به قضای آن نماید؛ و اگر واجبات را به صورت ناقص انجام داد خود را وادارد به وسیله نوافل نقص آن را جبران نماید (شیر، ۱۳۸۹: ۴۳۷-۴۳۶).

نفس انسان آینه اعمال اوست. آنکه از خود حساب می‌کشد، این تلاش در اعمال و رفتارش متجلی می‌گردد. محاسبه نفس، ارتباط تنگاتنگی با اعتقاد و ایمان انسان به روز جزا دارد؛ زیرا کسی که به روز جزا ایمان داشته باشد قبل از فرارسیدن آن روز، خود را برای پاسخ‌گویی آماده می‌سازد. هنگام محاسبه اعمال باید از وادی خودخواهی بیرون آمد و به رفع عیوب خود پرداخت، بنابراین سرمایه‌گرانه‌های عمر را بیهوده صرف کردن، موجب خسران است، چون نفس اماره همیشه در پی فریب انسان است؛ مگر اینکه عنایت خداوندی شامل حال انسان گردد. جامی معتقد است که هر انسانی باید در طول روز، حساب‌رسی اعمال خود را بر عهده بگیرد و همانگونه که حساب مال و اموال خود را نگر می‌دارد از آنچه انجام داده، حساب بکشد. او هشدار می‌دهد که چراغ خرد را بیافروز و در پرتو نور آن کارهای نیک و بد خود را بنگر و در آن‌ها اندیشه کن، ببین که کجا از مرز سلامت بیرون رفتی و کجا عنایت خداوندی دستگیر تو شد. جامی مضمون و مفهوم سخن خویش را بر پایه عبارت نهج‌البلاغه بنا کرده است و از رابطه بینامتنی غیرصریح و پنهان برای بیان معنای سخن خویش بهره برده است و برای بیان مفهوم سخن خویش از نهج‌البلاغه الهام پذیرفته است.

۱۲.۳ عبرت آموزی

متن حاضر

دل از یاد پیشینیان شاد کن	به عبرت ز پیشینیان یاد کن
به هر کشوری بین که چون خسروان	بخوان دفتر کهنگان و نسلوان
در آن عرصه نرد هوس باختند	به میدان شاهی فرس ساختند
ز صد کام نارانده یک کام را	ز صد گام نارفته یک گام را
عنان تافتند از هوس عاقبت	فرود آمدند از فرس عاقبت
فتادند بر بستر جاندهی	تهی تارک از تاج فرماندهی
گرفتند در ورطه سخت جای	نهادند بر تخته از تخت پای

(جامی، ۱۳۷۸: ج ۲/۴۵۲)

متن غایب

«وَأَعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ: قَدْ تَرَأَيْتُمْ أَوْصَالَهُمْ وَزَالَتْ أَسْمَاعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ، وَذَهَبَ شَرَفُهُمْ وَعَزُّهُمْ، وَأَنْتَقَطَ سُورُهُمْ وَنَعِيمُهُمْ؛ فَبَدُّوا بِقُرْبِ الْأَوْلَادِ فَقَدَهَا، وَبِصُحْبَةِ الْأَزْوَاجِ مُفَارَقَتَهَا. لَا يَتَفَاخِرُونَ، وَلَا يَتَنَاصَرُونَ، وَلَا يَتَنَاسَلُونَ، وَلَا يَتَزَاوَرُونَ، وَلَا يَتَحَاوَرُونَ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۱). از آنچه بر گذشتگان شما رفت عبرت گیرید که چگونه بندگان اعضای بدنشان از هم گسست، چشم و گوششان نابود شد، شرف و شوکتشان از خاطرها محو گردید و همه ناز و نعمت‌ها و خوشی‌ها پایان گرفت؛ که نزدیکی فرزندان به دوری و از دست دادنشان و همدمی همسران به جدایی تبدیل شد. دیگر نه به هم می‌نازند و نه فرزندان می‌آورند و نه یکدیگر را دیدار می‌کنند و نه در کنار هم زندگی می‌کنند.

فرایند بینامتنی

یکی از روش‌های تربیت اخلاقی در اسلام که همراه با اندیشه و تفکر در سرگذشت اقوام و ملل، حوادث و تحولات تاریخی، حیات و مرگ تمدن‌ها، شگفتی‌های خلقت، تجربیات انسان‌ها و... است، عبرت‌آموزی می‌باشد که سبب درک معرفت باطنی و شیوه‌ای برای کاهش لغزش‌ها، هوشیاری به موقعیت خویش، شناخت علل سقوط دیگران در جهت جلوگیری از سقوط خویش در شهوات، بصیرت نسبت به زندگی، شناخت راه رشد و... می‌باشد.

عبرت از ریشه عبور به معنای گذر و تجاوز است، به لحاظ آنکه انسان وقتی از عمل یک فرد یا گروه و عقوبتی که دچارش شده یا شده‌اند عبور می‌کند و با تعمیم آن به اقوام و افراد دیگری که همان عمل را انجام می‌دهند، می‌رسد و در باب آنان نیز به همان سرنوشت حکم می‌کند. به پندگرفتن نیز، عبرت اطلاق شده است. (صدری، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

جامی آدمی را مورد خطاب قرار داده که از گذشتگان عبرت بگیر، برگ‌های تاریخ پیشینیان و افرادی را که پس از آن‌ها آمدند بخوان و ببین چگونه در میدان پادشاهی اسب تاختند؛ ولی عاقبت از اسب فرود آمدند و پادشاهی و عمر آن‌ها به سرآمد، پس راز پیشرفت و نابودی آن‌ها را به خاطر بسپار و زندگانی آن‌ها را مایه عبرت خود قرار ده است. امام علی (ع) در فرازهای بسیاری از نهج البلاغه، انسان‌ها را به تأمل در سرنوشت گذشتگان و کسب آگاهی از زندگانی آن‌ها فرا می‌خواند.

قرآن ناطق به پیروی از قرآن صامت دست مخاطبان خویش را گرفته و به اعماق تاریخ و حوادث عبرت آموز آن می برد و سرنوشت آنان را در آیینۀ عبرت نمایش می دهد؛ که چگونه قدرتمندان و تخت نشینان به نسیمی دفتر ایامشان ورق خورد و آنچنان طومار زندگی شان در هم پیچید که از آن همه جلال و شکوه دروغین، جز ویرانه ای و استخوان پوسیده ای باقی نماند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۰).

ایشان به عبرت آموزی از فراز و فرود تاریخ تمدن ها به ویژه سرنوشت جوامع، توجهی خاص دارند. بر اساس نظریۀ ژنت، بینامتنیت به صورت غیرصریح با بیان مضمون، مفهوم و شرح واره ای از سخنان امام (ع) در باب عبرت آموزی است؛ که جامی مضمون سخن خود را از کلام امام (ع) الهام گرفته و به نظم درآورده است.

۴. نتیجه گیری

در این پژوهش بر اساس رویکرد بینامتنی ژرار ژنت، چگونگی ارتباط بینامتنی اشعار جامی با نهج البلاغه تبیین شد. نتیجه این بررسی نشان می دهد که جامی آگاهانه و خودخواسته با نهج البلاغه رابطه بینامتنی برقرار کرده است و نهج البلاغه در شکل گیری محتوای اخلاقی این اثر بی تأثیر نبوده است. طبق دیدگاه ژنت، میان دو متن حاضر و غایب، سه نوع بینامتنیت صریح، غیرصریح و ضمنی به کار رفته است و اثرپذیری از نهج البلاغه نیز بر اساس سه شیوۀ گزاره ای، گزارشی و الهامی صورت گرفته است. وجود سه رابطه بینامتنی ژنتی در این پژوهش، قطعیت تأثیرپذیری جامی از کلام امام علی (ع) را می رساند. گاه سخن جامی کاملاً برگرفته از عبارت عربی بوده و قسمتی از آن را در کلام خود گنجانده است؛ که به شیوۀ اثرپذیری گزارشی و ذیل بینامتنیت صریح قرار گرفته است و آشنایان به نهج البلاغه به صراحت به منبع استفاده شده پی می برند و نسبت به سایر روابط بینامتنی کم تر می باشد. در برخی موارد به ترجمۀ کلام امام به فارسی و بیان آن به زبان شعر پرداخته است؛ که نوع اثرپذیری گزارشی و ذیل عنوان بینامتنیت ضمنی قرار می گیرد. در شواهدی سخن خود را با بار معنایی شبیه به عبارت نهج البلاغه بیان می کند؛ که از نظراندیشه و محتوا شباهت بسیاری میان آن ها دیده می شود و این برداشت شاعر از کلام امام از لحاظ محتوا، می تواند بینامتنیت غیرصریح و به شیوۀ الهامی باشد؛ اما این بدان معنی نیست که سرقت ادبی رخ داده است. به نظر نگارندگان در حوزه معنایی بینامتنی غیرصریح که از آن به عنوان سرقت ادبی هم نام

برده شده، تعریف دقیقی صورت نگرفته است؛ چون نمونه اقتباس و تضمین در کلام گویندگان شعر و ادب فارسی بسیار است و چنانچه به عنوان سرقت ادبی معرفی شوند، بسیاری از آثار ادبی ارزش خود را از دست خواهند داد. اینکه شاعری در یک فضای فرهنگی و دینی زیسته و از سرچشمه‌های قرآن و حدیث بهره‌مند شده است و نکته‌ای قرآنی یا حدیثی، در ذهن و ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه گوینده خانه داشته و خواسته و ناخواسته به زبان و بیان او راه یافته است امری است که دور از ذهن نیست. همچنین آموزه‌های تعلیمی متون دینی در هر دوره خود به خود زمینه پیوند با متون دیگر را فراهم کرده است؛ بنابراین به دلیل غنای اشعار جامی، در سخن وی چیزی به عنوان سرقت ادبی از نهج البلاغه وجود ندارد؛ بلکه او برای اعتبار بخشیدن به سخن خویش و نشان دادن علم و فضل و به قصد تبرک و حرمت، سخن خود را به گوهرهای کلام امام (ع)، مزین ساخته است و مانند بسیاری از بزرگان تصوف و عرفان، امام (ع) را پیشوای خود می‌دانسته و اتصال و ارادت معنوی خود را به مقام ولایت ایشان در خلال اشعارش نشان داده است. بینامتنیت ضمنی و غیرصریح در اشعار او بیشتر به چشم می‌خورد. جامی علاوه بر شاعری، منتقدی است که درد جامعه را می‌داند و با مشاهده اوضاع نابسامان عصر خود تصمیم می‌گیرد برای اصلاح جامعه در اشعار خود به تعلیم اخلاق و حکمت عملی بپردازد. همنشینی شعر تعلیمی فارسی با کلام امام علی (ع) علاوه بر آنکه برای فهم بیشتر اشعارشاعران پارسی‌گوی مفید است، امکان درک مفاهیم متعالی کلام ایشان را هم بیشتر می‌کند.

کتاب‌نامه

- قرآن، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نهج البلاغه (۱۳۸۳). ترجمه: محمددشتی، چاپ دوم، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- آل رسول، سوسن، مسجدی، فاطمه (۱۳۹۲). «دین‌مداری و دنیاداری در نهج البلاغه»، پژوهشنامه علوی، شماره ۲، سال چهارم، صص ۱-۱۸
- احمدی، بابک (۱۳۷۸). ساختار و تأویل متن، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، فاطمه (۱۳۹۶). «گذر عمر در آیین نهج البلاغه و آموزه‌های مشترک در شعر حافظ»، پژوهشنامه علوی، شماره ۲، سال هشتم، صص ۱-۲۴
- افصح‌زاد، اعلاخان (۱۳۷۸). نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.

تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از ... (بتول محبوبی زاده و دیگران) ۱۲۷

ثواب، جهانبخش (۱۳۹۱). «مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی»، پژوهشنامه علوی، شماره ۲، سال سوم، صص ۱-۲۵

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۸). *مثنوی هفت اورنگ*، تحقیق و تصحیح: جابلقا دادعلیشاه، اصغر جانفدا، ظاهر احراری و حسین احمد تربیت، ج ۱، چاپ اول، تهران: نشر میراث مکتوب.

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۸). *مثنوی هفت اورنگ*، تحقیق و تصحیح: جابلقا دادعلیشاه، اصغر جانفدا، ظاهر احراری و حسین احمد تربیت، ج ۲، چاپ اول، تهران: نشر میراث مکتوب.

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۸). *دیوان فاتحه الشباب*، مقدمه و تصحیح اعلاخان افصحزاد، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر میراث مکتوب.

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۶۳). *اربعین*، مقدمه و تصحیح کاظم مدیرشانه‌چی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

حلبی، علی اصغر (۱۳۶۹). *تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. راستگو، محمد (۱۳۹۸). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، چاپ چهاردهم، تهران: سمت. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۲). *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه حسین خداپرست، زیر نظر عقابقی بخشایشی، چاپ هفتم، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳). «بینامتنیت پسینه و پیشینه نقد بینامتنی»، *نشریه نقد و هنر*، شماره ۵ و ۶، صص ۱۷۲-۱۸۵

شبر، عبدالله (۱۳۸۹). *اخلاق*، ترجمه کتاب الاخلاق، مترجم محمدرضا جباران، چاپ پانزدهم، قم: انتشارات هجرت.

صدری، جمشید (۱۳۸۹). «عبرت و عبرت‌آموزی در نهج البلاغه»، *فصلنامه آفاق دین*، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۱۷

صفوی، سیدعلی‌رضا، بهشتی، سعید، اکرمی، سیدکاظم و صمدی، معصومه (۱۳۹۶). «بنیان‌های رشد آدمی بر مبنای سخنان امام علی (ع)»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۵، صص ۹۱-۱۱۴

طوسی، خواجه‌نصیر (۱۳۵۶). *اخلاق ناصری*، تصحیح و توضیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). *مجموعه آثار*، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران: فرهنگ نما.

۱۲۸ پژوهش‌نامه علمی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۸). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، چاپ بیست و چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، تهران: سخن.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶). «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸

Graham, Allen (2000) Intertextuality. London & New York •Rutledge.

